

# ناگفته‌هایی از زندگی معلمان بزرگ تاریخ

رویا صدر  
تصویرگر: سام سلماسی

تذکر ضروری - اطلاعات زیر کاملاً دست‌اول است و حق تولید آن برای نگارنده محفوظ بوده و استفاده از آن برای محققین فضاهای مجازی با شرط حذف نام نویسنده بلامانع است.



## ارسطو، معلم اول

ارسطو عادت داشت وقت درس دادن سر کلاس قدم بزند و به همین دلیل فلسفه‌اش را مشائی (زیاد راه‌رونده) گفته‌اند. به گفته منابع موثق در فیس‌بوک، او در یکی از همین پیاده‌روی‌های خستگی‌ناپذیرش، محصلی را به دام انداخت که به جای پرداختن به فلسفه، به گیم مشغول بود. گفت: «امپدوکلس، چنین می‌نماید که حواست به درس نیست. چه می‌کنی؟» وی پاسخ داد: «دارم از طرح هر دانش‌آموز - یک لپ‌تاپ استفاده بهینه می‌کنم.» ارسطو متحول شد و به گفته یک وبلاگ منتسب به ویل دورانت، تا مدت‌ها پس از تاریخ، سر کلاس‌هایش راه نرفت و همان جلو نشست و بافتنی بافت تا بچه‌ها به کار و زندگی‌شان برسند...



### فاراابی، معلم ثانی

این استاد فلسفه، تهیدست بود و شبها تا صبح زیر نور چراغ پاسبانان درس می‌خواند. بعدها در نظریهٔ مدینهٔ فاضله‌اش مردم را به اموری مشغول ساخت که آنان را به‌سوی سعادت رهنمون سازد. امروزه کارشناسان تعلیم و تربیت روی مصادیق این نظریه توافق ندارند ولی صاحب کمپانی معروف «مدارس هوشمند از فرش تا عرش» معتقد است مصداق سعادت‌مندی فارابی دل‌زده از کوچه و خیابان‌گردی‌های شبانه، همین پروژه «هر دانش‌آموز یک لپ‌تاپ» بوده است. چرا که فارابی به‌دنبال نقطهٔ اتکایی برای نرفتن بچه‌های ننگون‌بخت به کوچه و خیابان می‌گشته؛ امری که پتانسیل آن را باید در رایانه جست‌وجو کرد. از فارابی در منابع تلگرامی نقل کرده‌اند: «رایانه در ذات و صفات، جوهر یک‌جا نشین کردن بچه‌ها را از نظر نقلی و عقلی داراست.»



### ژان ژاک روسو

ژان ژاک روسو، فیلسوف عصر روشنگری و نویسندهٔ کتاب تربیتی «امیل» معتقد بود که باید خواندن کتاب تا ۱۲ سالگی برای کودکان ممنوع شود. در منابع اینترنتی از قول عمهٔ روسو آمده است: «ژان یک آدم پیشرو بود و جامعه این را نفهمید. او سه قرن پیش از اختراع اینترنت، نهضت ضدیت با کتاب را به راه انداخت؛ یعنی زمانی که حتی بچه‌ها هم به جای بازی با موبایل و نشستن پای رایانه و لپ‌تاپ، می‌نشستند و کتاب می‌خواندند.»



### آنا سولیوان

آنا سولیوان، مربی هلن کلر، از نداشتن شواهد کافی برای اثبات کارایی شیوه‌های سنتی تدریس رنج می‌برد. محققین اپلیکیشن تلگرام می‌نویسند که او بعدها به نتیجه‌اش گفت: «زمان ما که مدرسهٔ هوشمند و این قرتی‌بازها نبود، من به این بچه درس دادم و پیشرفت کرد و داستان زندگی‌اش نوشت، حالا چی؟ همهٔ شاگردا بی‌سوادن، حتی بلد نیستن درست و حسابی بنویسن. هر دانش‌آموز سر کلاس یک لپ‌تاپ می‌بره و مدام سرش توی اونه و معلوم نیست اون تو دنبال چی می‌گرده...» به گفتهٔ کارشناسان شرکت‌های فناوری پیشرفته و مدیران مدارس فوق هوشمند، این نظرات آنا میزان عقب‌افتادگی او از قافلهٔ علم و فن بشریت را نشان می‌دهد. همین کارشناسان معتقدند چه بسا اگر او هلن کلر را پای رایانه می‌نشاند، نتایج درخشان‌تری هم می‌گرفت. یک کارشناس در این باره می‌گوید: «مورد داشتیم شاگرد با چشمان خمار و خواب‌آلود پای دستگاه نشست و به فاصلهٔ پنج دقیقه چشمانش به قاعدهٔ نعلبکی گشاد شد و رگ‌های گردنش هم بیرون زد... جانم؟! چی دید که اونجوری شد؟! اونجاش دیگه به ما مربوط نیست قربون... پس آنا بیخود گفته و به حرفش گوش ندهید و بچه‌ها را ۲۴ ساعته بنشانید پای رایانه.»